

اسلام سیاسی در عربستان؛ ترکیب وها بیت و اخوان المسلمین!

محمدجواد محمدی مجد

جنگ شش روزه در سال 1967 و شکست اعراب از رژیم صهیونیستی (النکسه) آثار قابل توجهی در جامعه عرب به جای گذاشت. این شکست جهان عرب را دچار یک سرخوردگی و سرشکستگی عمیقی نمود. قطعاً این جنگ، جزئیات و پیامدهای آن، جای پژوهش و بررسی بسیاری دارد ولی از مهمترین آثار آن، میتوان گسترش اسلام‌گرایی به معنای سیاسی و مکتبی آن قلمداد کرد.

این موج اسلام‌گرایی پس از مشاهده ناکامی ایدئولوژی قومی عربی (پان‌عربیسم) به رهبری جمال عبدالناصر در بازیابی هویت عربی و اسلامی، و ناتوانی از سر برآوردن مقابل سلطه همه جانبه تمدن غرب بر جهان اسلام تشدید شد. یکی از جریانهای مهم اسلام‌گرا در قرن بیستم، جریان یا جنبش اخوان المسلمین است که پایگاه اصلی و هسته مرکزی آن در مصر و توسط حسن البنا شکل گرفت. جریان اخوان المسلمین که از دهه سی میلادی شروع به فعالیت نمود شعار: الإسلام هو الحل (تنها اسلام، راه حل است) را برای خود برگزید که آشکارا به توانایی اسلام (به عنوان یک مکتب) بر اداره جامعه اشاره دارد. این جریان اگرچه مصر متولد شد اما به سرعت در بیشتر کشورهای عربی جهان اسلام از جمله: سوریه، اردن، فلسطین، عراق، و بعدها عربستان دارای طرفدار شد. داستان ورود این جریان سیاسی به عربستان به اواسط دهه هفتاد میلادی باز می‌گردد. جمال عبدالناصر با قلع و قمع این جریان سیاسی در مصر، سبب شد تعدادی زیادی از دانشجویان، اساتید علوم دینی، مهندسان، معلمان و فعالان اخوانی، به کشورهای دیگر از جمله عربستان مهاجرت کنند.

حکومت عربستان نیز با پذیرش این مخالفان جمال عبدالناصر (به دلیل اختلافاتی که با وی داشت) در یک توافق نانوشته خواستار آن شد که این نخبگان، بازسازی نظام درسی و تربیتی مدارس و دانشگاه‌های عربستان را به عهده بگیرند و در مقابل، اجازه فعالیت دینی و فرهنگی (نه سیاسی) داشته باشند. با گسترش فعالیت‌های این جریان فرهنگی و هجرت بسیاری دیگر از نخبگان اسلام‌گرا از کشورهای دیگر اسلامی به عربستان، و مشاهده فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی اخوانی‌ها، کم‌کم جریان دیگری سربرآورد که مدعی بود باید فعالیت فرهنگی و تربیتی اخوانی (با محوریت آراء سید قطب) را با اندیشه سلفی وها بی ترکیب کرد، زیرا اندیشه‌های اخوانی محض، دچار یک خلأ تئوریک از ناحیه اعتقادی و دینی است و اخوانی‌ها

اصطلاحاً غیریت و تفاوت گفتمانی خود را با رقیب (دیگری: اعم از شیعه، اشاعره، ماتریدیه) حفظ نمی‌کنند. از طرفی جریان وهابی سنتی درباری نیز به دلیل تبحر و ارتجاع و وابستگی تام به حکومت آل سعود توانایی احیای (یا ایجاد) یک حکومت اسلامی را ندارد.

از این رو با ترکیب اندیشه سلفی (وهابی) با تفکر اخوانی، جریان سلفیه سروری یا سروریه سربرآورد (به دلیل نسبت آن به محمد سرور زین العابدین، روحانی معروف سوری^۱ الاصل) که معتقد بود حکومت از آن فقها و علما است، این جریان با محوریت اشخاصی چون: سلمان العوده، عائض القرنی، سفر الحوالی با گسترش فعالیت خود، محبوبیت فراوانی بین جوانان عربستانی کسب کرده و حکومت آل سعود را دچار نگرانی عمیقی نمود. از این رو، آل سعود تصور کرد که این جریان برای حکومت، چالشهای زیادی ایجاد خواهد کرد.

نقطه شروع این تقابل، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال 1979 بود که این جریان را دچار یک شوک و سرخوردگی عمیقی کرد و به این فکر افتادند که آنها نیز (مانند شیعیان) باید حکومتی بر مبنای دین داشته باشند. این تقابل تا جایی ادامه یافت که در جنگ اول خلیج فارس، و با کمک^۲ خواستن حکومت سعودی از آمریکا برای حمایت از آن در مقابل حمله صدام، جریان سلفی سروری که اکنون به جریان صحوه یا (بیداری اسلامی) معروف شده بود طی بیانیه^۳ ای خطاب به حکومت، این کمک^۴ خواستن را برخلاف اسلام دانسته و موجب قبول ولایت طاغوت قلمداد کردند.

در مقابل^۵، بن^۶ باز مفتی عربستان، فتوای جواز این اقدام آل سعود را صادر کرد و جریانی در مقابل سروری^۷ ها، شکل گرفت که به جامیه یا سلفیه جامی مشهور شد (به^۸ دلیل نسبتش به محمد الجامی، روحانی معروف اتیوپی^۹ الاصل) این جریان، برخلاف سروری^{۱۰} ها و اخوانی^{۱۱} ها که به^{۱۲} نوعی مفاهیم و ساز و کارهای مدرن سیاسی همچون حزب و انتخابات را جایز می^{۱۳} دانستند، این^{۱۴} گونه مسائل را بدعت شمرده و بر اساس اندیشه سیاسی کلاسیک اهل^{۱۵} سنت، هرگونه فعالیت و خروج علیه حاکم را حرام و موجب کفر می^{۱۶} دانستند. این جریان از سوی حکومت سعودی حمایت فراوانی کسب کرد و مناصب حکومتی و دینی فراوانی نیز به تصرف آن درآمد.

در هرسورت اکنون بسیاری از منتسبین به جریان سروری از جمله چهره اصلی آنان، سلمان العوده و عبدالعزیز الطریفی در زندان به^{۱۷} سر می^{۱۸} برند یا افراد اسلامگرای غیرسلفی همچون سعدالفقیه یا محمدالمسعری به خارج از کشور مهاجرت کرده^{۱۹} اند و با توجه به استراتژی بن^{۲۰} سلمان بر تاکید بر سکولاریسم و احیای هویت ملی/عربی برای جامعه عربستان به جای هویت دینی، به^{۲۱} نظر میرسد جریان

اسلام‌گرای مخالف آل‌سعود روزهای سختتری را پیش‌رو داشته باشد.

منبع: سایت شعوبا با اندکی تصرف